

بسم الله الرحمن الرحيم

ملاحظات جنسیتی

در

نظام تربیت رسمی و
عمومی

محمد حسنی

عضو هیئت علمی

پژوهشگاه مطالعات آموزش و پرورش

سرشناسه	: حسنی، محمد، ۱۳۴۲ -
عنوان و نام پدیدآور	: ملاحظات جنسیتی در نظام تربیت رسمی و عمومی
مشخصات نشر	: تهران: مؤسسه فرهنگی مدرسه برهان (انتشارات مدرسه)، ۱۳۹۳.
مشخصات ظاهری	: ۲۱۶ ص.
شابک	: 978-964-08-0836-8
وضعیت فهرست‌نویسی: فبیای مختصر	
یادداشت	: این مدرک در آدرس http://opac.nlai.ir قابل دسترسی است.
شناسه افزوده	: سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی. مؤسسه فرهنگی مدرسه برهان (انتشارات مدرسه)
شماره کتابشناسی ملی	: ۳۷۱۷۷۲۳



سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی
وزارت آموزش و پرورش

ملاحظات جنسیتی در نظام تربیت رسمی و عمومی

مؤلف: محمد حسنی
طراح جلد و گرافیک: فرشید پیمان پو
چاپ اول: ۱۳۹۴
تیراژ: ۱۰۰۰ نسخه
لیتوگرافی: خاورمیانه
چاپ و صحافی: چاپ خجسته
قیمت: ۱۰۰۰۰۰ ریال
حق چاپ محفوظ است
شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۰۸-۰۸۳۶-۸
ISBN 978-964-08-0836-8

نشانی: تهران: خیابان سپهبد قرنی، پل کریمخان زند، کوچه شهید محمود حقیقت‌طلب، شماره ۸
تلفن: ۸۸۸۰۰۲۲۴۰۹ دورنگار (فاکس): ۸۸۹۰۳۸۰۹
www.enma.ir

فهرست محتوا

۷	مقدمه.....
۱۳	فصل اول: مباحث نظری و کلیات
۱۴	○ جریان شناسی اجتماعی در حوزه جنسیت
۱۸	○ نقد فمینیسم
۲۴	○ جریان‌های جهانی
۲۸	○ اسلام و جنسیت
۳۱	○ دیدگاه‌های مختلف در باره جنسیت در ایران
۳۳	○ جنسیت و آموزش
۳۹	○ تحلیل دیدگاه جنسیتی اسناد درون بخشی نظام تربیت رسمی و عمومی
۴۰	○ جنسیت در برنامه‌های درسی قبل از انقلاب اسلامی (مصوبات شورای عالی آموزش و پرورش)
۴۴	○ کلیات نظام آموزش و پرورش
۴۹	○ منشور اصلاحات در نظام آموزش و پرورش
۵۲	○ جمع‌بندی نتایج پژوهش‌های انجام گرفته در حوزه جنسیت و برنامه‌های درسی
۵۵	فصل دوم: مبانی نظری
۵۷	○ زن و مرد واجد حیث مشترک انسانی هستند
۶۳	○ زن و مرد به لحاظ تکوینی (زیستی) دارای شباهت‌های حداکثری و تفاوت‌های حداقلی هستند
۷۴	○ زن و مرد دارای حقوق و مسئولیت‌های مشترک حداکثری و تفاوت‌های حداقلی هستند
۹۴	○ بین حقوق و مسئولیت‌های زن و مرد باید عدالت برقرار باشد
۱۰۹	فصل سوم: ملاحظات جنسیتی
۱۱۰	○ ملاحظات جنسیتی در نظام تربیت رسمی و عمومی
۱۱۰	○ نظام تربیت رسمی و عمومی در دوره ابتدایی و متوسطه باید دو جنسی باشد
۱۱۵	○ در نظام تربیت رسمی و عمومی، باید تفاوت‌های تکوینی و نقشی (حداقلی) رعایت گردد

فصل چهارم: نقاط اثر ملاحظات جنسیتی

۱۲۳	اهداف
۱۲۵	ساختار
۱۳۴	فضا و تجهیزات
۱۳۷	مدیریت
۱۳۸	فرصت‌های آموزشی
۱۴۲	مکان
۱۴۳	

فصل پنجم: نقاط اثر ملاحظات جنسیتی در برنامه‌ریزی درسی

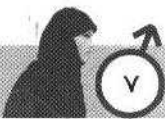
۱۴۷	حساسیت جنسیتی
۱۴۸	رویکرد مطلوب برنامه‌ریزی درسی از منظر جنسیت
۱۵۱	هدف
۱۶۰	حوزه‌های یادگیری
۱۶۲	محتوا
۱۶۲	مؤلفه روش و فعالیت‌های یادگیری
۱۶۵	

فصل ششم: چالش‌ها و آسیب‌ها

۱۶۷	○ آسیب‌های ناشی از حساسیت به جنسیت
۱۸۱	آسیب‌های تفکیک جنسیتی در نظام آموزشی (برنامه درسی جنسیت‌گرا)
۱۸۲	آسیب‌های عدم تفکیک جنسیتی در نظام تربیت رسمی و عمومی (برنامه درسی غیر جنسیت‌گرا)
۱۹۰	

پیوست‌ها

۱۹۴	○ تعاریف اصطلاحات رایج
۱۹۴	○ سوابق علمی مصاحبه‌شوندگان
۱۹۹	○ فهرست منابع
۲۱۱	



مقدمه

یکی دو قرن است که در جوامع مختلف به زنان و نقش و حقوق آنان توجه جدی شده است یا به سخن دقیق تر مورد بازخوانی قرار گرفته است. به همین سبب جریان های اجتماعی قابل توجهی در سطح جهانی و سطح ملی و بومی به راه افتاده است. این جریان ها کم و بیش با عنوان و مفهوم «فمینیسم»^۱ شناخته می شوند. توجه به جایگاه و شأن انسانی و حقوقی زن همراه با مفهوم «عدالت» از دغدغه های اصلی و مشترک این جریان (علی رغم تنوع و کثرت مبانی ارزشی و رویکردها و روش های آنان) است. انتظار این است که تحت تأثیر این جریان، یک بازنگری دقیق از سازوکارها، ترتیبات اجتماعی، فرهنگی و حقوقی صورت گیرد. اگر چه نقطه و مرکز توجه جریان های عدالت جویانه (برابری جویانه) زنان در طول چند قرن اخیر بیشتر متوجه نظام حقوقی و ترتیبات اجتماعی بوده است اما در سال های اخیر توجه جدی به نظام تربیت رسمی و عمومی، نیز مبذول داشته اند در واقع مقصود و هدف از این بازنگری در سازوکارهای تربیت رسمی و عمومی، بستر سازی اجتماعی برای رسیدن زنان به جایگاه و منزلت اجتماعی عادلانه است.

می توان چنین گفت که جریان های اخیر عدالت و برابری برای زنان چشم بشریت را به نیمه پنهان خود باز کرده و انسان ها را بر آن داشت که با دقت بیشتر به این نیمه بنگرند و آن را از محاق برخی محرومیت ها بیرون آورد. محرومیت های متمدنی در طول قرون و اعصار نسبت به زن مانع تحقق بخش هایی از ظرفیت وجودی آنان شده است و نیروهای طبیعی و خدادادی آن ها را معطل نهاده است و بدین سبب محرومیت مضاعفی را به وجود آورده است زیرا معطل ماندن این قوا را به نقص ذاتی آنان نسبت داده و بر اساس این نتیجه گیری، مناسبات اجتماعی نامناسب و ناعادلانه ای را رقم زده است. یکی از افرادی که سال ها در امر گسترش تربیت رسمی و عمومی در بین اقشار محروم



کشور تلاش وافر داشته است در این باره چنین می‌گوید: «من از متفکران و روان‌شناسان نیستم ولی با تجارب و مشاهدات نیم‌قرنی خود در امر تعلیم و تربیت به همین نتیجهٔ مسلم رسیده‌ام که مرد اجازه نداده است که زن به مدرسه برود کتاب بخواند و استعداد ذاتی خود را پروراند و آنگاه او را به بی‌دانشی و حتی ضعف قوای فکری و اخلاقی متهم کرده است» (بهمن بیگی، ۱۳۷۹).

تحت تأثیر جریان‌های جهانی در ادبیات امروز جهان، در حوزه‌های مختلف علمی، هنری، فرهنگی، اقتصادی سیاسی، اصلاح «جنسیت»^۱ اصطلاحی رایجی شده است. این اصطلاح ناظر به وظایف و نقش‌های اجتماعی است که هر جامعه برای زن و مرد قائل است و سازوکارهای اجتماعی را بر اساس تعریف این نقش‌ها سامان دهی و هدایت می‌کنند. براین اساس امروزه موضوع «جنسیت» از مسایل مهم در جوامع و سیاست‌گذاری قانون‌گذاری و برنامه‌ریزی‌هاست. کمتر جامعه‌ای وجود دارد که در تنظیم قوانین سیاست‌ها، برنامه‌ها و فعالیت‌های خود موضوع «جنسیت» را مد نظر قرار ندهد.

نظام تربیت رسمی و عمومی از این قاعده مستثنی نیست. سازوکارها و برنامه‌های آموزشی و درسی در این جریان مورد بازبینی و دقت قرار گرفته است. این موضوع در سطح جهان بازتاب زیادی دارد. یونسکو^۲ و یونیسف^۳ به عنوان دو نهاد بین‌المللی هدایت این جریان را به عهد دارند. بی‌شک در ایران نیز این جریان مشاهده می‌شود و امواج این توجه به موضوع زن چه قبل از انقلاب و چه بعد از انقلاب دیده می‌شود. اگر دقیق‌تر نگاه کنیم این توجه به جایگاه زن از دوره قاجار شروع شده است و این ناشی از آشنایی گروهی از ایرانیان با جوامع غربی است.

بعد از انقلاب اسلامی و با توجه به دیدگاه رهبر فقید انقلاب در خصوص حضور زن در عرصه‌های مختلف اجتماعی، صحنه‌های مختلف اجتماع، شاهد حضور گسترده زنان شد و قانون اساسی با نگاهی عدالت‌جویانه بستر قانونی آن را فراهم آورده است. به دنبال آن قوانین و برنامه‌های مختلف در این راستا مورد توجه قرار گرفت. برنامه‌های توسعه کشور هر یک به گونه‌ای به مسایل زنان و به معنای گسترده‌تر «جنسیت» پرداخته‌اند. برای مثال برنامه سوم و چهارم توسعه ایران تلاشی در این خصوص داشته است اما برنامه‌ای اول و دوم توجه جدی به جنسیت و خانواده نشده است (سرمقاله مجله حورا شماره ۳۸). در برنامه سوم و چهارم از جمله بخش آموزش و پرورش در این برنامه‌ها

1. gender

2. unesco

3. unisef



مورد عنایت قرار گرفته است بر اساس دیدگاهی که در این دو برنامه دنبال می شده است. برنامه‌های بخش آموزش و پرورش یا همان تربیت رسمی و عمومی می‌بایست در حد اصلاح ساز و کارها و ترتیبات خود در خصوص عدالت جنسیتی باشد. برنامه چهارم توسعه تلاش نمود تا تشکیلاتی ایجاد کند که مسایل جنسیت را در بخش‌های مختلف رصد و سیاست گذاری کند. برخی اعتقاد دارند که مبانی و اصول اولیه رویکرد جنسیتی در برنامه سوم و چهارم بیشتر فمینیستی بوده است (محمد تقی کرمی^۱، ۱۳۸۹). یعنی برنامه سوم با نگاه فمینیسم لیبرال به دنبال برابری زن و مرد در حوزه‌های مختلف از جمله اشتغال و آموزش و پرورش بوده است. اما در برنامه چهارم با رویکرد تبعیض مثبت و حمایت ویژه از زنان مبنای کار قرار گرفته است.

برنامه پنجم توسعه که در سال ۱۳۸۹ در مجلس به تصویب رسیده است نگاهی متفاوت به جنسیت داشته در این برنامه تأکید خاص بر خانواده، ازدواج، حجاب، عفاف، امنیت اجتماعی زنان، حمایت از سرپرست خانواده و مشاغل خانگی زنان شده است (سرمقاله نشریه حورا شماره ۳۸). بی تردید رویکرد جنسیتی که در برنامه پنجم وارد شده است با رویکرد برنامه چهارم متفاوت است. اساساً جنسیت و دیدگاه و تعریفی که از آن داده می‌شود با بخش تربیت رسمی و عمومی ارتباط برقرار می‌کند این نسبت نسبتی دو طرفه است از یک سو جنسیت و تعریف آن در جامعه باید روشن گردد. سپس تربیت رسمی و عمومی باید نسبت خود را با جریان‌ات اجتماعی و اساساً جامعه مشخص کند. این که آیا تربیت رسمی اساساً موقعیتی تربیتی است که برای آماده سازی افراد جامعه در رسیدن به موقعیت‌های شغلی تدارک دیده می‌شود یا این که تربیت رسمی و عمومی به سبب عمومیت آن سازوکاری برای آماده سازی آحاد جامعه برای زندگی در جامعه است. در هر دو صورت جنسیت در نظام تربیت رسمی و عمومی جایگاه ویژه‌ای دارد.

اگر جنسیت به مثابه نقش‌های اجتماعی در نظر گرفته شود. مسئولیت‌ها و نقش‌های اجتماعی به دو دسته تقسیم می‌شود:

- وظایف و مسئولیت‌های عام و مشترک که بین دو جنس یکسان است.
- مسئولیت‌ها و وظایف نقش‌های جنسیتی با توجه به آنچه که در فرهنگ جامعه و حقوق جامعه تعریف شده است.

بیشترین ارتباط چالش برانگیز بین تربیت رسمی و عمومی با جنسیت در نوع دوم وظایف برقرار



می‌شود این جاست که اختلاف‌ها و تنازع دیدگاه‌ها خودش را نشان می‌دهد. اگر چه تعیین مشترکات نیز محل اختلاف بوده و شامل همان تشتت آراء می‌شود. در واقع ملاحظات جنسیتی برای یک نظام تربیت رسمی و عمومی حساس به جنسیت از تعیین و تبیین مبانی و اصول و رویکرد به جنسیت بر می‌خیزد. برای پاسخ دادن به این که این ملاحظات چیستند باید دید که موضع فرهنگ در خصوص نقش دو جنس در حیات اجتماعی چگونه است. خانواده در دین و فرهنگ چه تعریفی دارد و با توجه به شرایط امروزی چه تعریفی از آن می‌شود. آیا خانواده تک قطبی تعریف می‌شود یا دو قطبی یا مشارکتی هر پاسخی ملاحظات ویژه‌ای را به همراه دارد.

تردید نیست که عدالت که غایت قصوای بشری است و از اهداف بعثت انبیاء الهی صلوات الله علیهم اجمعین باید در تمامی حوزه‌های حیات فردی و اجتماعی نمود داشته باشد. تربیت رسمی و عمومی که در این کشور به آموزش و پرورش شناخته می‌شود، نیز از حوزه‌های مهم نمود عدالت است (صادق زاده و همکاران، ۱۳۹۰). چه این که عدالت در این حوزه هم هدف است و هم روش. روش است زیرا که از طریق ساز و کار عادلانه می‌توان فضای تربیتی مناسب برای تربیت نونهالان و نوباوگان آماده کرد که اولاً عادل بوده و هم چنین دوستدار عدالت و تحقق بخش آن باشند. بررسی در منابع علوم تربیتی جهانی نشان می‌دهد که عدالت به مثابه روش مورد توجه بسیار بوده هست (تیبیتس^۱، ۲۰۰۷) (تاماسیوسکی^۲، ۲۰۰۴). این موضوع نیز در اسناد بالادستی کشورمان به گونه‌ای عدالت نه تنها به مثابه روش و بلکه به مثابه هدف مورد توجه قرار گرفته است. این نشان می‌دهد که پیگیری و پی جویی عدالت و جلوه‌های آن و تلاش برای توسعه نموده‌های آن در جامعه یک ضرورت است.^۳

ملاحظه تفاوت‌های جنسی و جنسیتی در ترتیبات و فرایندهای تربیتی جدا از مسایل اجرایی آن به لحاظ مفهومی دارای ابهام بوده و محل نزاع دیدگاه‌های مختلف فلسفی و سیاسی است. نحله‌های مختلف فلسفی و حتی گرایش‌های سیاسی گوناگون در این زمینه دیدگاه‌های متفاوتی

1. Tibbitts

2. Tomasevski

۳. برخی آمار و ارقام جهانی نشان می‌دهد که وضع تبعیض جنسیتی در ایران در مقایسه با شرایط کشورهای دیگر در وضع مناسبی نیست. به نقل از سایت فردانیز از منظر شاخص‌های تبعیض جنسیتی ایران در رتبه‌های نزدیک به آخر قرار دارد. اگر چه ممکن است تردیدهایی در صحت و درستی این وجود داشته باشد و شائبه سیاسی شدن آن قابل بحث است اما به هر حال پایین بودن آن قابل بررسی است یعنی اگر رتبه ایران در این شاخص جهانی با تغییر برخی متغیرها و شاخص‌ها ممکن است برخی شاخص‌ها با فرهنگ اسلامی سازگار نباشد) و اطلاعات آن، به میانه جدول برسد باز وضعیت مناسبی نیست. از آنجا که تربیت رسمی و عمومی یکی از عوامل مؤثر در کاهش و حذف این بی عدالتی‌هاست به نحو اولی خود این نظام باید در زمینه عدالت جنسیتی جریانی پیشگام باشد.



ارائه داده‌اند. به هر حال چالش‌ها، مباحث و پرسش‌های پاسخ داده نشده زیاد است. به ویژه زمانی که این مسایل اختلافی، به حوزه تربیت رسمی و عمومی کشیده می‌شود، پاسخ پیچیده‌تر می‌شود چرا که پاسخ کاربردی باید ضمن بر خور داری از حدی از عقلانیت، مورد اجماع نسبی گروه‌های ذینفع باشد. هم‌چنین باید با بسترهای فرهنگی و اجتماعی جامعه تناسب داشته باشد.

این پرسش مهمی است که اگر می‌بایست تفاوت‌های جنسی و جنسیتی در برنامه‌های تربیتی مورد ملاحظه قرار گیرد و برنامه‌های تربیتی حساس به ویژگی‌های جنسی و جنسیتی باشد، چگونه و در چه سطحی باید این ملاحظه صورت گیرد؟ آیا ملاحظات که تاکنون مورد نظر بوده، با اصل عدالت سازگار است؟ ملاحظاتمانند: جداسازی مدارس دو جنس، جداسازی معلمان دو جنس، در سطح راهنمایی و دبیرستان، وجود برخی رشته‌های متفاوت در حوزه‌های فنی و حرفه‌ای مانند اختصاص رشته کودک‌پاری به دختران، وجود کتاب‌های متفاوت مانند حرفه و فن (در سال‌های قبل) توجه به مسایل جنسی و جنسیتی در محتوای کتاب‌های درسی مانند ادبیات، علوم اجتماعی، دینی چه حکمی دارد؟ حال این پرسش مطرح می‌شود که در حوزه نظام تربیت رسمی و عمومی چگونه باید تفاوت‌های جنسی و جنسیتی را در تربیات و برنامه‌ریزی‌ها مد نظر قرار داد؟

اثری که پیش رو دارید بر گرفته از پژوهشی است که مسأله فوق را از منظر صاحب‌نظران مختلف در حوزه‌های مختلف علوم تربیتی (برنامه‌ریزی درسی، فلسفه تربیت، روان‌شناسی، جامعه‌شناسی و فقه و حقوق) کاویده است.^۱ از این رو، جامعه نمونه به صورت هدفمند انتخاب گردید. به این صورت که برحسب تجارب و سوابق علمی و پژوهشی و تخصصی آن‌ها جامعه نمونه انتخاب شده‌اند.^۲ تحلیل محتوای مصاحبه‌ها و اسناد بالا دستی بر اساس مقولات^۳ شناسایی شده در مرور ادبیات

۱. اما از آنجا که بین متخصصان و صاحب‌نظران دیدگاه‌های گوناگونی نسبت به این موضوع وجود دارد ضرورتاً بررسی به تحلیل صرف رویکردهای جنسیتی نسبت به برنامه‌درسی متجر می‌شد؛ لذا تصمیم گرفته شد که این پژوهش بر اساس اسناد بالا دستی صورت گیرد. این سخن بدان معنا بود که دلالت‌های رویکرد جنسیتی در اسناد بالا دستی در حوزه برنامه‌درسی ارزش توجه را داشت و گرنه صرف بیان نظرات مختلف حاصل کاربستی برای پژوهش نداشت. با بررسی اسناد بالا دستی پژوهشگر، چهار سند: «قانون اساسی»، «سند چشم انداز بیست ساله ایران»، «منشور حقوق و مسئولیت‌های زنان»، «اهداف، اصول تحکیم بنیان خانواده» به عنوان اسناد بالا دستی شناسایی شد.

۲. اسامی مصاحبه شوندگان همراه با شرح مختصری از سوابق علمی آنان در پیوست آورده شده است.

۳. مقولات مورد نظر عبارتند از: جنس، جنسیت، رابطه جنس و جنسیت، شباهت‌ها و تفاوت‌های زن و مرد، عدالت / برابری جنسیتی، جنسیت در نظام آموزشی، جنسیت در برنامه‌درسی، جنسیت در مؤلفه‌های نظام آموزشی، جنسیت در مؤلفه‌های برنامه‌های درسی، چالش‌های برنامه‌درسی حساس به جنسیت، آسیب‌های برنامه‌درسی حساس به جنسیت



مرتبط با موضوع انجام گردید.

بعد انجام تحلیل‌ها و تدوین گزارش نتایج تحلیل در یک جلسه حضوری مورد بحث صاحب نظران قرار گرفت. نقدهای صاحب نظران نسبت به نتایج تحلیل‌ها در تدوین گزارش نهایی اعمال گردید. آنچه که پیش رو دارید برونداد چنین تکاپوی فکری است. در واقع برگ سبزی که تقدیم می‌گردد. امید مورد توجه قرار گیرد. از آنجا که هیچ کار پژوهش خالی از نقص نیست (به ویژه این اثر) لذا از خوانندگان خواهش می‌گردد با اعلام نظر در خصوص ضعف‌های کار، نویسنده را یاری نمایند. در پایان بر خود لازم می‌دانم که از همه کسانی که در این مسیر ناهموار با من همکاری داشته‌اند سپاسگزاری بنمایم:

خانم دکتر جمیله علم الهدی ناظر محترم طرح در حمایت از اجرای این طرح در زمان مسئولیتشان در مؤسسه پژوهشی برنامه‌ریزی درسی.

اعضای محترم گروه پژوهش در میانی برنامه‌ریزی درسی پژوهش‌کننده برنامه‌ریزی درسی و نوآوری‌های آموزشی (دکتر یحیی قائدی، دکتر سعید ضرغامی، دکتر نرگس سجادی، دکتر زهرا نیکنام، طیبه امام جمعه، مهندس علی زرافشان، خانم آمنه احمدی)،

سپاس ویژه از خانم طیبه امام جمعه، دکتر زهرا نیک نام، دکتر علیرضا صادق زاده و دکتر انسیه زاهدی به دلیل هم‌فکری‌هایشان در تدوین طرح‌نامه پژوهش،

خانم دکتر نخله غروی مدیر گروه مطالعات زنان دانشگاه تربیت مدرس و اعضای محترم گروه، خانم فرزانه گوردزی در پیاده سازی مصاحبه‌ها،

خانم دکتر سمیه فریدونی در پیاده سازی مصاحبه‌ها،

آقای احمد بنی اسدی در پیاده سازی مصاحبه‌ها،

خانم دکتر ویدارحیمی نژاد همکاری در مقوله بندی مصاحبه‌ها و همراهی در اجرای دو مصاحبه،

خانم پریسا زندیان در هماهنگی جلسات مصاحبه ارتباط با مصاحبه شونده‌ها،

و همه اساتید و صاحب نظران بزرگواری که با حلم و علم خود در مصاحبه‌ها و جلسه هم‌اندیشی

به من یاری رسانند.

متواضعانه می‌گویم که بدون یاری این بزرگواران هیچ‌گاه این اثر تولید نمی‌شد.

محمد حسنی

عضو هیأت علمی پژوهشگاه مطالعات آموزش و پرورش